

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2018Y3N8A19 ISSN-P: 2538-3701

بررسی جرم سیاسی در ایران با تاکید بر قانون مصوب ۱۳۹۵

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۲/۱۲)

نهاد زندیان

چکیده

در هر جامعه و کشوری اصولاً اشخاص یا گروه‌هایی وجود دارند که عمدتاً به خاطر حفظ و یا کسب منافع شخصی مانند قدرت و ثروت و امیال خود و یا در پی رسیدن به خواسته‌های گروهی و مناسب سیاسی و موارد مشابه آن مرتکب رفتار ساختارشکنانه می‌شوند که به واسطه آن به حقوق جامعه و اشخاص تعدی و تجاوز می‌کنند. بدیهی است که نظام‌های حقوقی نیز حسب مورد و بر اساس قوانین و مقررات موجود اقدام به واکنش نسبت به این نوع از جرایم که تحت عنوان جرایم سیاسی شناخته می‌شود می‌نمایند، در حقوق ایران نیز بنا به دلیل فقدان قانون اختصاصی و متناسب در همین زمینه، در سال ۱۳۹۵، قانونی تحت عنوان قانون جرم سیاسی مورد تصویب مقنن قرار گرفت که بر اساس مقررات موجود در آن، دستگاه قضایی می‌تواند مبتنی بر قانون اختصاصی جرم سیاسی و شرایط حاکم بر دادرسی و صدور حکم آن، رسیدگی و صدور حکم نماید و دیگر از استناد به مواد عمومی قانون مجازات اسلامی برای برخورد با این جرم‌رهای یابد.

۷



بخش اول: کلیات

بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد.^۱ همانطور که اشاره شد یکی از موضوعات مهم قانون اساسی، که تا قبل از قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ از سوی قانون‌گذار نسبت به آن اقدامی صورت نگرفته بود، موضوع با اهمیت اصل ۱۶۸ درباره جرم سیاسی است. از جمله مشکلاتی که در این باره وجود داشت، تعریف جرم سیاسی بود. تصویب قانون جرم سیاسی در سال ۱۳۹۵ موجب می‌شود به یک تقسیم‌بندی توجه بیشتری شود. مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سوال است که قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ چه امتیازها و استثنائاتی را به مجرمین این دسته از جرایم داده است؟ در پاسخ به سوال فوق این فرضیه مطرح می‌شود که طبق قانون جرم ۱۳۹۵ محل نگهداری، نوع پوشش لباس این دسته از مجرمین با سایرین متفاوت است. مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای نوشته شده است.

بند اول: مفهوم جرم سیاسی

نمی‌توان تعریفی جامع و مانع و همه‌گیر در خصوص جرم سیاسی در قالب علم سیاست و از دیدگاه علوم سیاسی ارائه داد اما با این حال نمی‌توان این موضوع را کتمان کرد که از نظر تمامی دولت‌ها و حکومت‌ها واژه و جرمی به نام جرم سیاسی موجودیت دارد^۲ و این هم به خاطر این قضیه است که حقوقدانان و تحصیل‌کردگان در علم حقوق و علوم سیاسی در هر کشوری برای این جرم، تعاریفی را برای خود عنوان می‌کنند که اساس آن، حقوق ملّی کشور متبوع خودشان است و آن را به گونه‌ای تبیین و تعیین می‌کنند که بقای حاکمیت تضمین شود و منافع ملی کشور

۱- اصل ۱۶۸ قانون اساسی: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند».

۲- برای نمونه می‌توان به رسمیت شناختن جرم سیاسی در قانون ۱۹۲۷ راجع به استرداد مجرمان در قوانین فرانسه، ماده ۳ قانون ۱۹۲۹ آلمان در تبیین جرم سیاسی، ماده ۸ قانون مجازات ایتالیا که بیان می‌دارد: «از نظر اجرای قوانین جزایی، جرمی که علیه مصلحت سیاسی کشوری باشد یا علیه یکی از حقوق سیاسی شهروندان انجام شود، جرم سیاسی است» و موارد مشابه اشاره کرد.

را حفظ کند. آنچه که از تحقیقات پیشین در خصوص این موضوع قابل درک است، این امر است که نه تنها نظریات و دیدگاه‌هایی که در این مسیر ارائه شده تعریف دقیق جرم سیاسی را به صورت متحد ارائه نکرده، بلکه رویه قانون و قانونگذاری و مشکلات حاکم بر آن نیز بر مشکل شناخت و معرفت بر جرم سیاسی افزوده است. نهایتاً باید گفت از منظر علوم سیاسی، جرم سیاسی یک جرمی است که مرتکب آن با توسل به رفتاری، اقدام به انتقاد یا اعتراض به وضع موجود حاکمیت می‌نماید و در قبال این رفتار مجرمانه، دارای انگیزه سیاسی و بهبود دادن به امور است نه کسب منابع مالی و قدرت و نظایر آن، لذا این مسیر اگر با قوه قهریه و نزاع و دیگری همراه شود با مجازات شدید عقوبت می‌شود اما اگر توأم با آرامش نظیر بیان مطالب انتقادی در چهارچوب حزب و رسانه باشد در اکثر کشورها جرم تلقی نمی‌شود اما در برخی از کشورها نیز برای تحقق یافتن جرم سیاسی به همین میزان نیز اکتفا می‌شود.^۱

بخش دوم: پیشینه جرم سیاسی در ایران

بند اول: اصل شصت و نهم متون قانون اساسی مشروطیت

«مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزرا را در محضر دیوانخانه عنوان خواهد نمود و دیوانخانه مزبور با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائره خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتی که به موجب قانون اتهام و اقامه دعوی از دائره ادارات دولتی مرجوعه به شخص وزیر خارج و راجع به خود وزیر باشد.» در این اصل از قانون اساسی دوره‌ی مشروطیت مشاهده می‌شود که فرد و مجرم سیاسی از اعضای خود دولت حاکمه باشد و در واقع بیشتر به تخلف وزرا در قالب یک جرم خاص سیاسی می‌پردازد آن هم به خاطر این که سمت و شغل فرد سیاسی می‌باشد جرم ارتكابی از سوی وی سیاسی محسوب می‌شود و این بند جزء ابتدائی‌ترین نمونه‌های جرم سیاسی در قوانین ایران می‌باشد.

بند دوم: اصل هفتاد و نهم قانون اساسی مشروطیت

طبق اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطیت مصوب ۱۲۸۵: «در مورد تقصیرات سیاسی و مطبوعاتی هیأت منصفه در محاکمه حاضر خواهند بود»، این اصل ترجمه اصل ۱۵۰ قانون اساسی

۱- بشیریه، حسین، (۱۳۸۲) آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی)، تهران، نشر نگاه معاصر، ص ۱۷۱.





بلژیک می‌باشد که مقرر می‌دارد: «هیأت منصفه در تمام موارد جنایی و جرایم سیاسی و جرایم مطبوعاتی شرکت خواهند کرد».^۱ در این اصل به وضوح مشخص می‌شود که بعد از چند اصل از قانون اساسی قانونگذاران پی به ماهیت جرم سیاسی برده و هیأت منصفه را از قانون کشور بلژیک اکتساب کرده و در این مورد برقرار می‌دارند ولی به علت تقلید کورکورانه این بخش قبل از این که تعریفی از جرم سیاسی داشته باشیم وارد قانون کشور ما شده و تنها آن بخش از قوانین کشورهای خارجی که با سلیق شخصی افراد سازگاری داشته به قوانین ما رخنه کرده و در این مورد بهتر است به حضور هیأت منصفه در قوانین و مجازات کشور بلژیک در مورد جرایم جنایی نیز توجه کرد. قانون مجازات مجرمین علیه امنیت و استقلال مملکتی مصوب سال ۱۳۱۰ که در این قانون برای تأسیس و شرکت در احزاب سلطنت مشروطه مجازات جنایی برقرار شد. در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در طی چند ماه به بیان احکام راجع به جرایم سیاسی پرداخته بود. ماده ۲۶ احکام تکرار جرم درباره‌ی اشخاصی که به واسطه‌ی ارتکاب جرم به مجازات سیاسی محکوم شده‌اند جاری نخواهد شد.» ماده ۵۴ «جنحه و جنایات سیاسی مطلقاً و همچنین جنحه و جنایات که در اثنای انقلابات سیاسی واقع شود ممکن است مورد عفو عمومی قرار گیرد ولی در هر مورد قانون مخصوص باید اجازه‌ی آن را بدهد.» ماده ۵۵ «در جرایم سیاسی پادشاه می‌تواند نظر به پیشنهاد وزیر و تصویب رئیس الوزرا تمام یا قسمتی از مجازات اشخاص را که به موجب حکم قطعی محکومه صالحه محکوم شده‌اند عفو نماید و نیز می‌تواند در جریان غیرسیاسی مجازات اشخاص را که محکوم به اعدام شده‌اند را تبدیل به حبس با اعمال شاقه نماید و مجازات اشخاص را که محکوم به اعدام شده‌اند را تبدیل به حبس با اعمال شاقه نماید و مجازات سایر جرایم را یک درجه تخفیف بدهد و یا قسمتی از آن را تا ربع عفو کند.» که نمونه شبیه به این ماده را به کمی تغییر امروزه در قوانین خود شاهد هستیم اما آنچه که بیشتر در قوانین آن دوره مشاهده می‌شود این است که سوء قصد به حیات افراد در هیچ مورد جرم سیاسی محسوب نخواهد شد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که اگر بر فرض فرد مورد نظر از مقامات زمامدار باشد و انگیزه مرتکب را در قتل زمامداران سیاسی بدانیم (تلقی به جرم سیاسی) با تصریح حکم کشتن افراد (ولو مقامات زمامدار)

۱- متن قانون اساسی بلژیک، اصلاح شده در سال ۱۹۷۰.

از زمره جرایم سیاسی خارج است. ماده ۵۹ همان قانون اگر اشخاصی که برای ارتکاب جرم سیاسی محکوم به حبس تأدیبی می‌شوند در ظرف یک سال از تاریخ اتهام مجازات به اشخاصی که برای ارتکاب همان جرم محکوم به مجازات جنایی می‌شوند در ظرف ۵ سال از تاریخ ابهام مجازات مجدداً محکومیت جزایی نداشته باشند به اعاده حیثیت نائل شده و محکومیت آنها از سجل جزایی محو خواهد شد. تبصره ۸ قانون محاکمه وزیران مصوب ۱۳۰۷ مقرر می‌دارد در مورد تقصیرات سیاسی هیأت منصفه حضور خواهد داشت.

بخش سوم: بعد از انقلاب اسلامی

ماده واحد لایحه قانونی رفع آثار محکومیت‌های سیاسی مصوب ۱۳۵۸/۱/۷ شورای عالی انقلاب (محکومیت کلیه کسانی) که به عنوان اتهام اقدام علیه امنیت کشور و اهانت به مقام سلطنت و ضدیت با سلطنت مشروطه و اتهامات سیاسی دیگر تا تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۶ به حکم قطعی محکوم شده‌اند کامن لم یکن و ملغی‌الاثر تلقی می‌شود کلیه آثار قبلی محکومیت مزبور موقوف‌الاجراء خواهد بود. در ماده ۶ لایحه قانون تشکیل دادگاه‌های فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب مصوب ۱۳۵۸/۴/۱۳ آمده است: هر کس خواه مستقلاً خواه با حمایت خارجی بر ضد حکومت جمهوری اسلامی ایران مسلحانه قیام نماید به اعدام محکوم می‌شود. در این بیان با کمی تغییر شکلی مصداق محارب دارد و نمی‌توان آن را با جرم سیاسی در هم آمیخت. مهمترین قانونی که مقررات مربوط به جرم سیاسی باید در آن فکر شود قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری است که بعد از انقلاب اسلامی چندین قانون در این رابطه وضع گردید ولی هیچ کدام تصریحی به این جرایم نکرده‌اند در این قوانین مصادیق جرم سیاسی ذکر شده ولی از نامگذاری آنها و تصریح بر سیاسی بودنشان ذکری به میان نیامده است. علاوه بر قانون جرم سیاسی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل صد و شصت و هشت^۱ به این موضوع پرداخته است که تا به امروز هیچ اقدامی برای عملی کردن این اصل صورت نگرفته و باعث

۱- اصل ۱۶۸ قانون اساسی: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند».



صوری بودن قانون شده است. همچنین قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵، لایحه قانونی احتساب سابقه خدمت محکومین سیاسی مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۲ شورای انقلاب، آئین نامه دادسرا و دادگاه‌های انقلاب مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۲/۱۴/۱۵ و آئین نامه اجرایی آن مستند قانونی دیگر مربوط به جرایم سیاسی است.

بخش چهارم: ارکان جرم سیاسی

بند اول: رکن قانونی جرم

رکن قانونی جرم سیاسی در قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، بیان شده است. بر اساس ماده ۱ این قانون، هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه‌زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود. همچنین طبق ماده ۲، جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند.

الف - توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان

ب - توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات.

پ - جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب ۷/۶/۱۳۶۰.

ت - جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات.



بند دوم: رکن معنوی جرم

رکن معنوی یا همان سوءنیت، یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم است که در دو معنای وسیع و محدود به کار می‌رود. رکن روانی جرایم عمدی در معنای محدود شامل، جرائم اختیاری یا جرایمی که مجرم عامل مورد ملاحظه است و در جرایم غیرعمدی شامل جرایم اختیاری یا سهل‌انگاری است، ولیکن رکن روانی در معنای وسیع علاوه بر معنای محدود شامل مسئولیت کیفری نیز می‌باشد. لذا قصد، سو نیت مجرمانه و تقصیر جزایی از اجزای تشکیل دهنده رکن معنوی جرم هستند. اصولاً منظور از رکن معنوی آن است که مرتکب عملی را که طبق قانون جرم شناخته شده با قصد مجرمانه انجام داده و یا آن که در ارتکاب آن عمل مرتکب خبط و تقصیر جزایی شده باشد. هرگاه قصد مجرمانه و یا خطای جزایی وجود نداشته باشد کسی را نمی‌توان تحت تعقیب و مجازات قرار داد. در هر محاکمه کیفری باید ثابت گردد که مجرم عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی مرتکب عملی گردیده که قانوناً ممنوع بوده است و از انجام عملی که قانون او را مکلف نموده بوده امتناع کرده است. به بیان دیگر رکن معنوی رابطه روانی است که بین مجرم و اعمال ارتكابی وجود دارد. گفتنی است که رکن معنوی برای تحقق جرم سیاسی لازم است در بررسی رکن معنوی آن را به دو نوع تقسیم می‌کنیم، سوءنیت خاص و سوء نیت عام. در سوءنیت عام، قصد مجرمانه فرد مدنظر قرار می‌گیرد و به صورت کلی قصد مجرمانه فرد یعنی خواسته درونی وی در مقابله با نظام و حکومت مورد توجه قرار گیرد که احراز این مسأله هر چند با کمی تسامح قابل پذیرش است، اما در مورد سوءنیت خاص که قصد براندازی یا قصد تخریب رهبران حکومت و رجال سیاسی مورد امعان نظر است که در این نوع سوءنیت احراز آن بسیار دشوار است چرا که فرد در جرم سیاسی به صورت یک مصلح معرفی می‌شود نه به صورت یک اخلالگر و آشوب طلب، آن دسته که به اصل ذهنی بودن جرایم معتقدند این نظریه را بیان می‌کنند که جرم سیاسی یک جرم مطلق است^۱ و همین که تفکرات فرد در مورد جامعه ابراز شد و اندیشه فرد تبلور یافت جرم صورت گرفته است که این اصل ذهنی با قانون عدم تفتیش عقاید و اصل



۱- رادفر، سید رضا (۱۳۸۹)، جرم سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ص ۳۹.

آزادی بیان تضاد و پارادوکس دارد چرا که هر کس با هر مرام و هر تفکری می‌تواند زندگی کند و هیچ کسی را نمی‌توان به علت داشتن عقیده‌ای خاص مورد مجازات قرار داد. با دلایلی که در مورد جرایم سیاسی ارائه شد متوجه می‌شویم که قصد و نیت مجرمین اصلاح جامعه و ساختار نظام و گوشزد کردن اشتباهاتشان به طرق مختلف می‌باشد که البته این طرق تنها در بیشتر موارد باعث تزلزل نظام می‌شود که باز این خود به ساختار حکومتی بر می‌گردد.

بند سوم: رکن مادی جرم

یک جرم برای این که مورد مجازات قرار گیرد و شرایط اجرای مجازات را داشته باشد باید رکن مادی و یک عمل عینی نیز در عالم خارج به وقوع بپیوندند تا فرد را به ارتکاب آن عمل ممنوعه مورد مجازات قرار دهند جرم سیاسی مانند جرایم عمومی با فعلیت یافتن اعمالی مانند انفجار، تخریب، آشوب، اخلال در نظم و امنیت عمومی جامعه و ... صورت می‌گیرد که البته ما این عوامل و مصادیق را نمی‌توانیم در زمره جرایم سیاسی قرار دهیم، ولی با مطالعه صحیح در تاریخچه جرایم سیاسی می‌توان به این نتیجه رسید که قشر کثیری از مجرمین سیاسی تنها با نشر و تبلیغ افکار آزادیخواهانه به مبارزه با نظام حکومتی می‌پرداختند و همیشه از طریق تفکر و اندیشه و انتشار آن از طریق مطبوعات و جراید و سخنرانی‌ها در مجالس مختلف در بین اقشار عمومی جامعه حکومت را به باد انتقاد و استیضاح قرار داده‌اند تا حدی که همیشه جرایم سیاسی را به همراه جرایم مطبوعاتی قلمداد می‌کنند و مجازات و نوع جرم وارده در هر دو صورت مشابه تعریف و تدوین می‌کنند. لذا می‌توان گفت که عنصر مادی جرم سیاسی سخنرانی و تحریک مردم به وسیله نوشتن و نظایر آن است. از نظر برخی نیز در رکن مادی جرم سیاسی صرف تبانی و توطئه برای تحقق جرم کفایت می‌کند و فعل خارجی همان تبانی و توطئه است.^۱ ولی در این خصوص می‌توان گفت که قانونگذار صرف تبانی و توطئه را که خود، یک عمل خارجی است جرم دانسته و مجازات تعیین کرده است، لذا در اینجا نیز فعل خارجی وجود دارد. همچنین در مورد شروع به



۱- رشیدی، علی (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی جرم سیاسی در حقوق ایران و فرانسه، پایگاه الکترونیکی: www.adl-

جرم سیاسی و محال یا عقیم بودن آن، قواعد عمومی مربوط به این موارد اعمال خواهد شد، مگر اینکه در قانون مربوط به جرم سیاسی موارد مذکور پیش بینی شده باشد.

بخش پنجم: انواع مجازات جرم سیاسی

بند اول: اعدام

مدت‌هاست که در اکثر کشورها، اعدام از مجموعه مجازات‌های مقرر برای مجرمان سیاسی حذف شده است.^۱ اگرچه اعدام اصولاً در برخی کشورها در مورد هیچ جرمی به اجراء در نمی‌آید، ولی اولین گام‌های مؤثر در جهت حذف این مجازات‌ها با طرح مسأله در خصوص مجرمان سیاسی برداشته شد. البته در خصوص بسیاری از جرائم مرتبط و مرکب که ماهیتی صرفاً سیاسی ندارد، هنوز هم همانند جرائم عادی ممکن است از مجازات‌های سختی همچون اعدام، استفاده شود ولی جرائم سیاسی محض، از این موضوع مستثنی شده است. شاید علت این امر همان جنبه حمایتی قانون و قانونگذار از مجرم سیاسی است. زیرا چنانچه مطرح شد، جرم سیاسی از سایر جرائم متفاوت بوده و وجه تمایز آن بیشتر امتیازاتی است که قانون برای مجرم سیاسی در نظر گرفته است. از این رو نمی‌توان مجرمی را که از چنین حمایتی در نزد قانون برخوردار است محکوم به شدیدترین نوع مجازات یعنی نابودی و نیستی (اعدام) محکوم نمود و بدین لحاظ اعدام مجرم سیاسی با هیچ منطق و وجدانی همخوانی ندارد.^۲

بند دوم: مجازات بدنی

اینگونه مجازات‌ها شامل کیفرهایی می‌شود که مربوط به جسم مجرم است. برخلاف مجازات اعدام که مربوط به جان وی می‌شود، به عبارت بهتر در مجازات‌های بدنی برعکس مجازات اعدام، کیفر جرم منوط به گرفتن جان وی نیست، بلکه شامل آزار و اذیت جسمی او می‌شود. البته شاید اشکال شود که عموماً اعدام نیز در دسته مجازات‌های بدنی قرار می‌گیرد، اما از

۱- تحت تاثیر جنبش حذف مجازات اعدام بسیاری از کشورها این مجازات را حذف کردند از جمله فرانسه از اکتبر ۱۹۸۱ که اعدام را لغو نمود. به نقل از گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، نشر مجد.

۲- زینلی، محمدرضا (۱۳۷۴)، جرم سیاسی و بررسی تطبیقی آن با حقوق جزای اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ص ۸۸.



آنجا که ما ابتدائاً اعمال مجازات اعدام را در مبحثی جداگانه بیان کردیم و نظر به اینکه با وجود چنین سیستمی در دستگاه کیفری جرم سیاسی مخالفت کردیم، چنین ایرادی وارد نخواهد بود. مجازات‌های بدنی اغلب از قطع نمودن عضو و شلاق و سایر مواردی که آسیب جدی به جسم افراد است، تشکیل می‌شود. اما با توجه به مسائل روز و خصوصیات جرم سیاسی امروزه مجازات جرائم سیاسی را نمی‌توان تحت عنوان قطع عضو مطرح نمود. علی‌الخصوص اینکه چنانچه قبلاً نیز اشاره شد چنین مجرمانی از امتیازات خاصی برخوردارند اما ممکن است این مجازات در قالب شلاق خودنمایی کند.

بند سوم: مجازات‌های سالب آزادی یا محدود کننده آن

اکثر مجازات‌های جرائم سیاسی بر اساس قسمت تعزیرات قانون مجازات اسلامی و قانون جرم سیاسی، سالب آزادی و یا محدود کننده آن هستند که قانونگذار ایران در مورد چنین مجرمانی از این حربه استفاده می‌کنند. ممکن است کیفر سالب آزادی در حد خفیف آن نیز با حبس‌های کوتاه جلوه کند. تفاوتی که این دو با هم دارند این است که در نوع اول مجرم به طور کلی آزادی خود را از دست می‌دهد اما در نوع دوم این آزادی محدود می‌گردد. به عبارت دیگر سالب آزادی اعم از محدود کننده آزادی است. بارزترین مثال برای کیفر سالب آزادی، حبس می‌باشد که مجرم در یک محدوده کوچک (مثلاً زندان) دوران محکومیت خود را می‌گذراند، اما در کیفر محدود کننده آزادی مانند تبعید، فرد در محیطی کوچک حبس نمی‌شود بلکه از جامعه و وطنی خود طرد شده و با اجبار به ترک محل زندگی و اجبار به اقامت در محل دیگری (شهر و دیار دیگر) آزادی وی سلب می‌شود.

بند چهارم: مجازات‌های سالب حق

در برخی از موارد قانونگذار به عنوان مجازات، مرتکب جرم را از برخی از حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محروم می‌سازد. گاهی این مجازات‌ها در قالب مجازات‌های تکمیلی و اختیاری دیده می‌شوند مانند:

۱. منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین (بند پ ماده ۲۳ ق.م.ا).



۲. منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی (بند ذ ماده ۲۳ ق.م.ا).
گاهی این مجازات‌ها اجباری بوده و در قالب مجازات‌های تبعی در ماده ۲۶ ق.م.ا دیده می‌شود
نظیر:

۱. محرومیت از عضویت در هیئت‌های منصفه و امانت و شوراها حل اختلاف.

۲. محرومیت از اشتغال به عنوان مدیر مسئول یا سردبیر رسانه‌های گروهی.

بخش ششم: تحلیل حقوقی ماده دوم قانون جرم سیاسی

بر اساس ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط
مقرر در ماده ۱ این قانون، جرم سیاسی محسوب می‌شوند.

الف: توهین و افتراء به روسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس
جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان، اعضای شورای
نگهبان به واسطه مسئولیت آنان.

ب: توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو ایران وارد شده است، با
رعایت مفاد ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات.

پ: جرائم مندرج در بندهای «د» و «ه» ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های
سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۰۶/۰۷.

ت: جرائم مقرر در قوانین انتخاباتی خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی
و شوراها اسلامی شهر و روستا به استثناء مجریان و ناظران انتخابات.

ث: نشر اکاذیب.

ماده ۲ قانون جرم سیاسی در قالب ضابطه احصاء، برخی از جرائم را در صورتی که شروط مقرر
در ماده ۱ همین قانون را دارا باشند، به عنوان جرم سیاسی معرفی نموده است. این ضابطه مورد
توجه قانون‌گذار ایرانی قرار گرفته است، اما استناد به قوانین مختلف در احصاء جرائم، در این ماده
مغایر با ضابطه احصاء می‌باشد، زیرا غالباً در ضابطه احصاء، قانونگذار به طور صریح، تعیین جرم و



مجازات می‌نماید و این در حالی است که در ذیل ماده برخی از عناوین قابل مجازات و برخی دیگر فاقد عنوان مجرمانه در قوانین عادی می‌باشد و این موضوعات مغایر اطلاق قاعده احصاء و جرایم به عنوان یک ضابطه مورد پذیرش در قانون جرم سیاسی می‌باشد. بر اساس ماده ۳ قانون جرم سیاسی: «مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرائم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود:

الف: جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات

ب: سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی.

پ: آدم ربایی، گروگان گیری.

ت: بمب گذاری و تهدید به آن، هواپیماربابی و راهزن دریایی.

ث: سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی.

ج: حمل و نگهداری غیرقانونی، قاچاق و خرید و فروش سلاح، مواد مخدر و روانگردان.

چ: رشاء و ارتشاء، اختلاس، تصرف غیر قانونی در وجوه دولتی، پولشویی و اختفای اموال ناشی از جرم مزبور.

ح: جاسوسی و افشای اسرار.

خ: تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ و کشتار و درگیری.

ذ: اختلال در داده‌ها یا ساماندهی رایانه‌ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی.

ذ: کلیه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرائم ارتكابی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده یا غیر آن. گفتنی است که در طرح مصوب ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی که مورد ایرادات شورای نگهبان قرار گرفت. در صورت وجود انگیزه سیاسی و قصد تدارک جرم سیاسی یا تضمین هدف‌های آن و یا تسهیل وقوع آن، باز هم جرایم خشونت آمیز از اعداد عناوین و مفاهیم جرایم سیاسی خارج شده بود در آن ماده ذکر شده بود، جرائم خشونت آمیز ذیل جرم سیاسی محسوب نمی‌گردد، هرچند با انگیزه سیاسی و به قصد تدارک جرم سیاسی

یا تضمین هدف‌های آن و یا تسهیل وقوع آن تحقق یافته باشد...» و این موضوع در حالی است که مقنن در قانون جرم سیاسی، قیود و اوصاف مذکور را حذف نموده است و ماده ۳ به شرح مذکور تصویب گردیده است. ضابطه مقنن در ماده ۳ برخورد جرائم خشونت آمیز از مفهوم جرم سیاسی می‌باشد، از این جهت یک ماده از قانون به این موضوع اختصاص یافته است و این در حالی است که ضابطه مذکور به طور کامل با توجه به ماهیت جرائم مورد توجه قرار نگرفته است. شاهد مثال این مطلب سابقاً در خصوص انتقاد به بند «ت» ماده ۲ ق.ج.س پیرامون جرائم انتخاباتی بیان گردید. زیرا جرمی از قبیل ایجاد رعب و وحشت با اسلحه یا بدون اسلحه، تهدید و... که توأم با خشونت نیز می‌باشد با رعایت منطوق ماده ۱ ق.ج.س به عنوان جرم سیاسی پیش‌بینی گردیده است و این در حالی است که این موضوع مغایر با روح قانون می‌باشد. علاوه بر این برخی از جرائم بیان شده ذیل ماده ۳ ق.ج.س ممکن است توأم با خشونت فیزیکی نباشد، از این جهت قرار گرفتن آن ذیل ماده محل تامل است. بندهای «د» و «ذ» که مرتبط با داده‌های اینترنتی و مخابراتی است جزء جرائم خشن نمی‌باشد. در ماده ۳ طرح مصوب ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی قیود و شرایطی به طور تأکیدی مبنی بر عدم تأثیر انگیزه سیاسی و... در تحقق عنوان جرم سیاسی به وسیله جرائم خشونت آمیز اشاره شده بود و نمایندگان مجلس نهم در قیام و قعود خود قیود و شرایط را حذف نموده‌اند و هم اکنون در فرض وجود شرایط ماده ۲ ق.ج.س در قالب جرائم موضوع ماده ۳، قانون ساکت می‌باشد و تفسیر مضیق ماده ایجاب می‌نماید که از صدق عنوان سیاسی بر آنها پرهیز نمایم، اگر چه قیود مطروح در ماده ۳ طرح مصوب ۱۳۸۰ جنبه تأکیدی داشته است. قانونگذار در ذیل ماده ۳ به طور کلی در قالب ۱۱ بند، مباشرت، معاونت، مشارکت و شروع به جرائم مذکور را از عنوان جرم سیاسی خارج نموده است و ماده ۳ ق.ج.س را به عنوان مخصص منفصل ماده ۲ ق.ج.س می‌توان تلقی نمود. مقنن جرائم زیادی را از فصول قوانین جزائی خارج نموده است و این موضوع مصداق «تخصیص اکثر» می‌باشد و تخصیص اکثر در اصطلاح علم اصول قبیح می‌باشد. بیشتر اصولیان معتقدند تخصیص عام تا حدی جایز است که تعداد قابل توجهی از افراد عام، تحت عام باقی بماند. مثلاً از مفهوم عامی که یکصد فرد دارد، نمی‌توان هشتاد یا هفتاد نفر آن را خارج کرد، زیرا در این صورت نسبت باقیمانده با مجموع افراد بسیار کم است و چنین استعمالی در نظر عرف، پسندیده و معمول نیست. به نظر می‌رسد وجود تخصیص اکثر در قانون از قرائن



لفظی مبنی بر ضعف تالیف و تدوین می‌باشد و شایسته آن است که قانون‌گذار از اعمال تخصیص اکثر خودداری نماید.

بخش هفتم: تحلیل حقوقی ماده چهارم قانون جرم سیاسی

نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی و مقررات مربوطه به هیات منصفه مطابق با قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ است.

احاله یا ارجاع یک قانون به مواد یک قانون یا همان قانون در عرف مقنن ایرانی رایج می‌باشد. احاله عبارت است از ارجاع دادن یک موضوع به یک یا چند ماده از همان قانون یا قوانین و مقررات دیگر برای اجتناب از تکرار یا برای روشن ساختن ارتباط منطقی بین مقررات و رفع هرگونه ابهام احتمالی به عنوان خواستگاه و علت به کارگیری احاله و ارجاع در قانونگذاری بیان شده است. اما از این مطلب نباید غافل شد که احاله دارای ضوابط و اصولی می‌باشد که در صورت عدم رعایت آن، موجب افزایش ابهام مواد قانونی خواهد شد. علاوه بر این، لزوم سنخیت و تجانس دو موضوع و حکم جهت ارتباط منطقی آنها لازم می‌باشد. متأسفانه در برخی از مصوبه‌ها و قوانین موضوعه به این اصول توجه نگردیده است و تالی آن افزایش ابهام می‌باشد. در قانون جرم سیاسی از ماده ۱ تا ماده ۶ آن به طور مکرر با موارد احاله و ارجاع به سایر قوانین یا مواد قانون جرم سیاسی رو به رو هستیم که برخی از این احاله‌ها و ارجاع‌ها خلاف اصول می‌باشد. همچنانکه در خصوص احاله ماده ۱ به ماده ۲ ایراد احاله به امر معدوم مطرح گردید در خصوص سایر ارجاع‌ها نیز جهات ایراد و ابهام بیان گردید. در ماده ۴ ق.ج.س نیز قانونگذار مبادرت به ارجاع و احاله نموده است که انتقاد و ایراد مترتب بر احاله مقرر در ماده ۴ در سطور آتی ذکر می‌شود. در تبیین مفهوم احاله اقسام آن را به شش گروه تقسیم نموده‌اند که مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱- احاله درونی و بیرونی.

۲- احاله کلی و جزئی.

۳- احاله صریح و ضمنی.



۴- احاله عمودی و احاله عرضی.

۵- احاله درجه یک و احاله درجه دو.

۶- احاله حکم و احاله موضوع.

در قانون جرم سیاسی در مواد مختلف حسب مورد احاله درونی و بیرونی، احاله درجه یک و درجه دو و احاله کلی و جزئی قابل تطبیق و بررسی می‌باشد.

قانون گذار در ماده ۴ ق.ج.س نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی و مقررات مربوط به هیات منصفه را به قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ احاله نموده است، از لحاظ شکلی و ماهوی ارجاع و احاله مقرر در ماده ۴ ق.ج.س واجد ایراد می‌باشد و این نحوه قانون نویسی قابل انتقاد می‌باشد.

بخش هشتم: تحلیل حقوقی ماده پنجم قانون جرم سیاسی

بر اساس ماده ۵ قانون جرم سیاسی، تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است، متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به سیاسی بودن اتهام خود ایراد کند مرجع رسیدگی کننده طی قراری در این مورد اظهار نظر می‌نماید. شیوه صدور و اعتراض به این قرار تابع مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری است. ماده ۵ ق.ج.س حق ایراد به اتهام را توسط به متهم تقنین نموده است و در این راستا در ماده ۵ مقرر گردیده است: «... نسبت به سیاسی بودن اتهام خود ایراد کند». این در حالی است که این عبارت بر خلاف قاعده و اصول می‌باشد، زیرا اتهام و جرم سیاسی قابل انتساب به اشخاص صرف نظر از انگیزه شرافتمندانه و محبوبیت اجتماعی از نظر قانون (ماده ۶) دارای مزایا و امتیازات متعددی می‌باشد و بدیهی است که در رویه عملی با لحاظ امتیازات و جنبه ارفاقی مقررات داخلی و خارجی نسبت به متهم یا مجرم سیاسی ایراد به سیاسی بودن اتهام، محل تامل است، و ایراد به سیاسی بودن، بر فرض اینکه به این معنا باشد که متهم ادعا نماید که عمل یا اعمال ارتكابی فاقد وصف سیاسی می‌باشد، فاقد ثمره می‌باشد و در صورتی که مراد قانونگذار به این مفهوم حمل شود که متهم نسبت به اتهام خود مبنی بر اینکه اتهام سیاسی از نحوه نگارش اصطلاحات و الفاظ، مفید این مطلب نمی‌باشد و توجه این این موضوع





نیازمند اصلاح و بازنگری در الفاظ می‌باشد.^۱ در طرح مصوب ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی، در ماده ۶ ذیل فصل دوم آن، این موضوع به نحوه دقیق‌تری با استعمال الفاظ «سیاسی» و «غیر سیاسی» به طور متوالی مورد توجه قرار گرفته بود. در ماده ۶ طرح موصوف مقرر گردیده بود: «تشخیص سیاسی یا غیر سیاسی بودن جرم انتسابی با دادگاهی است که پرونده به آن ارجاع گردیده است.

تبصره: در صورتی که متهم یا وکیل به تشخیص دادگاه اعتراض کند و مدعی باشد که اتهام وارده از نوع اتهامات مربوط به جرائم سیاسی است به این اعتراض در همان دادگاه با حضور هیئت منصفه خارج از نوبت رسیدگی می‌شود و در صورتی که نظر هیئت منصفه بر سیاسی بودن اتهام وارده باشد دادگاه نظر هیات منصفه را رعایت خواهد کرد.

ماده ۶ مصوبه مجلس ۱۳۸۰ در خصوص نحوه استعمال ایراد به اتهام به نحو مطلوب مورد اشاره قرار گرفته است اما انصراف موضوع به دادگاه «عدم قید دادر» و تشخیص موضوع توسط دادگاه از ایرادات آن می‌باشد البته این طرح با ایرادات شورای نگهبان مواجه شد و نمایندگان مجلس، صرفاً مبادرت به تصویب طرح ۶ ماده‌ای خود در مجلس نهم نمودند.

بخش نهم: تحلیل حقوقی ماده ششم قانون جرم سیاسی

بر اساس ماده ۶ قانون جرم سیاسی، موارد زیر نسبت به متهمان و محکومان جرایم سیاسی اعمال می‌گردد:

الف: مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی.

ب: ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس.

پ: ممنوعیت اجرای مقررات ناظر بر تکرار جرم.

ت: غیر قابل استرداد بودن مجرمان سیاسی.

۱- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۵) از تعریف جرم سیاسی تا امتیازات مجرم سیاسی در دوران محکومیت.

ث: ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی به جز در مواردی که مقام قضایی بیم تبانی بدهد یا آن را برای تکمیل تحقیقات ضروری بداند، لکن در هر حال مدت آن نباید بیش از ۱۵ روز باشد.

ج: حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس.

چ: حق دسترسی به کتب نشریات رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس.

در این ماده، مقنن متأثر از اصول و قواعد بین‌المللی و داخلی، در قالب ۷ بند امتیازات و مزایایی را برای مجرمین و متهمین سیاسی در ایام بازداشت (تحت قرار) و محکومیت تصویب نموده است که برخی از این امتیازات و ارفاق‌ها از حقوق طبیعی و مسلم همه شهروندان می‌باشد و منحصر به مجرم یا متهم سیاسی نمی‌باشد بلکه مجرم یا متهم عادی نیز از آنها بهره‌مند هستند و آیین‌نامه‌های مرتبط با سازمان زندان‌ها نیز آنها را مورد توجه قرار داده است. حق ملاقات و مکاتبه یا حق دسترسی به کتاب، رادیو، تلویزیون و ممنوعیت حبس به صورت انفرادی از جمله آنها می‌باشد. مزایای اخیر منحصر به مجرم سیاسی نمی‌باشد بلکه سایر مجرمین نیز از این مزایا برخوردار می‌باشند. به نظر می‌رسد از این جهت در نحوه قانون نویسی قانونگذار ایراد وارد می‌باشد، زیرا مقنن در مقام انحصار و تبیین فصل امتیاز و جنبه‌های ارفاقی نسبت به مجرمین سیاسی می‌باشد و ذکر حقوق مشترک با مجرمان عادی بر خلاف روح قانون و اصول قانون‌گذاری می‌باشد. اصطلاحات و الفاظ «بیم تبانی و ضرورت تکمیل تحقیقات» در بند «ث»، قابل توسعه و تفسیر می‌باشد و از الفاظی است که ممکن است تفاسیر متعدد از آنها شود و این تفاسیر و برداشت‌ها به صورت سلیقه‌ای موجب تضییع حقوق مجرم یا متهم سیاسی گردد از این جهت تبیین مفاهیم مذکور شایسته شأن قانون‌گذار می‌باشد. در بند «ج» ماده ۶، صرفاً حق ملاقات و مکاتبه با اقرباء تصریح شده است و در خصوص حق ملاقات با وکیل و مشاوره حقوقی مجرم در طول مدت حبس اشاره نشده است و این در حالی است که ملاقات با وکیل می‌تواند به عنوان یک ابزار دفاعی موثر باشد. بر خلاف صدر ماده ۶ و تصریح بندهای الف، ب، و ث، مبنی بر بهره‌مندی مجرمین و متهمین سیاسی در ایام حبس و بازداشت (تحت قرار) بندهای ج و چ که صرفاً لفظ حبس را استعمال نموده است و این در حالی است که غالباً لفظ حبس به عنوان یک مجازات





معین در دادنامه لحاظ می‌گردد و بازداشت ممکن است به طور موقت در قالب صدور قرارهای تامین انجام گردد و بازداشت موقت یکی از قرارهای تامین می‌باشد و ممکن است متهم به علت عجز از معرفی کفیل یا عدم تودیع وثیقه بازداشت باشد از این جهت حسب ظاهر، بندهای ج و چ در ایام بازداشت (تحت قرار) حق ملاقات و حق دسترسی به کتب و نشریات به عنوان یک امتیاز ارفاقی مجرم و متهم سیاسی قابل استفاده نمی‌باشد. این نحوه قانون نویسی و عدم به کارگیری اصطلاحات علمی در متن قانون موجب تضییع حقوق مجرمین و متهمین سیاسی می‌شود که با روح قانون همخوانی و مطابقت ندارد و بر مقنن ایرانی اصلاح این موضوع واجب و لازم می‌باشد. حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس به طور مطلق تصریح گردیده است و این اطلاق مفید شیاع و عمومیت می‌باشد و با توجه به اطلاعات بند کتب و نشریات به نوع یا عدد خاص محدود نمی‌باشد. اگر چه ممکن است در رویه عملی صرفاً یک نوع از مجلات و کتب که امروزه عقیده و مرام خواص باشد در اختیار مجرم سیاسی قرار گیرد و عملکرد مسئولین اجرایی زندان باید منطبق با اطلاعات قانونی باشد. علاوه بر این، قانون‌گذار در خصوص وسایل الکترونیکی اینترنت و شبکه‌های آن به طور کلی فضای مجازی سکوت نموده است و بعید به نظر می‌رسد که از قاعده سکوت در مقام بیان استفاده نموده باشد. زیرا شرایط اعمال آن و مقدمات آن فراهم نمی‌باشد.^۱

بخش دهم: تکرار جرم، تعلیق، آزادی مشروط و عفو مجرمان سیاسی

بند اول: تکرار جرم

بر اساس قوانین جزایی حاکم در ایران، علی‌الخصوص قانون مجازات اسلامی، قواعد تکرار جرم تنها شامل جرایم تعزیری می‌گردد و سایر جرایم عادی و حتی جرایم سیاسی را در بر نمی‌گیرد و این بدین معنی است که اگر مجرمی که مرتکب جرم سیاسی شده بعداً دوباره تحت عنوان مجرم سیاسی پایش به میز محاکمه کشیده شده و جرمش ثابت شود، دیگر مجازات او را نمی‌توان بر طبق مقررات تکرار جرم و ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی تشدید نمود. زیرا همانطور که فوقاً بیان شد مقررات تکرار جرم شامل جرایم سیاسی نمی‌گردد.

۱- نوروزی، کامبیز (۱۳۹۵)، جرم سیاسی در بوته نقد و بررسی، هفته نامه حقوقی صوراسرافیل، شماره ۱۰۰، ص ۱۲.

در قوانین موضوعه ایران این قاعده از آنجایی نشأت می‌گیرد که قانونگذار نسبت به اجرای قواعد تکرار جرم در خصوص جرم سیاسی به سکوت برگزار کرده. فلذا با توجه به سکوت قانونگذار چنین نتیجه می‌شود که قانونگذار جرم سیاسی را مشمول قواعد تکرار نمی‌داند. این در حالی است که قبلاً در قوانین ایران در ماده ۲۶ قانون مجازات عمومی چنین امری صراحتاً بیان شده بود و نیازی به برداشت از قانون یا تفسیر آن قانون نبود، ولی متأسفانه با ملغی شدن این قانون به موجب قانون مجازات اسلامی این صراحت از بین رفت که این خود نقص بزرگی برای قانون است.

بند دوم: تعلیق مجازات

یکی دیگر از مواردی که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی به نفع مرتکبین جرم پیش‌بینی نموده، قرار تعلیق مجازات در ضمن حکم محکومیت یا پس از صدور آن با احراز برخی از شروط است. تعلیق مجازات به معنای معلق نمودن اجرای مجازات توسط قاضی برای مدت معین و مشخص می‌باشد. به عبارت دیگر قاضی دادگاه با در نظر گرفتن شروط مندرج در قانون و فقط در برخی از جرائم تعزیری می‌تواند تمام یا قسمتی از مجازات مجرم را قطع و متوقف کند. ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی در تعریف تعلیق مجازات مقرر می‌دارد: «در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید». شروط تعلیق عبارتند از: وجود جهات تخفیف، پیش‌بینی اصلاح مرتکب، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران، فقدان سابق کیفری مؤثر. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط و ضوابط حاکم بر تعلیق اجرای مجازات، و همچنین احصا شدن جرایمی که حق استفاده از تعلیق اجرای مجازات را ندارند^۱، مجرمین سیاسی



۱- بر اساس ماده ۴۷ ق.م.ا: صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست: الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات ب- جرائم

می‌توانند از این علت ارفاقی که قانونگذار مقرر نموده است بهره ببرند، زیرا مانع یا محدودیتی برای مجرمین سیاسی برای استفاده از تعلیق اجرای مجازات پیش بینی نشده است.

بند سوم: آزادی مشروط

گاهی پیش می‌آید که مجرم قبل از خاتمه دوران محکومیت، اصلاح شده و دیگر بار به فکر ارتکاب جرم نمی‌افتد. در این حالت، دیگر نیازی نیست که مجرم بقیه مدت محکومیت را در زندان به سر برد، چراکه هدف از مجازات که همانا اصلاح و بازسازی فرد محکوم است، فراهم شده و منطقاً دلیلی بر ادامه بازداشت وجود ندارد. به همین جهت شایسته است که زندانی به صورت مشروط آزاد گردد و اگر دوران آزادی، مرتکب جرم جدیدی نشود و به توصیه و دستورات دادگاه عمل کند، آزادی مشروط او قطعی خواهد شد والا مجدداً روانه زندان شده تا مابقی دوران محکومیت را تحمل کند. هدف اصلی و مهم مجازات، اصلاح و تربیت مجرم برای بازگشت مجدد او به جامعه است، حال چنانچه این هدف قبل از خاتمه مدت محکومیت تحقق یابد، عقل سلیم و منطق حکم می‌کند که متهم زودتر از موعد مقرر از زندان آزاد شود.^۱ از دیگر مصادیق علل ارفاقی که در متن قانون مجازات اسلامی نیز مورد توجه مقنن قرار گرفته است، مقررات مربوط به آزادی مشروط زندانیان می‌باشد. همان طور که از نام این مقررات بر می‌آید، آزادی مشروط وضعیت مجرمی است که طبق قوانین موجود به مجازات حبس تعزیری محکوم گردیده و حسب مورد پس از طی شدن مدتی (نصف یا یک سوم) از حبس از دادگاه تقاضا می‌نماید تا به صورت مشروط آزاد گردد. ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی در مورد آزادی مشروط چنین مقرر نموده است که: «در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادر کننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از



سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی و اسیدپاشی پ- قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی‌الارض ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال.

۱- صناعی، پرویز (۱۳۸۳)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر طرح نو، ص ۱۱۲.

تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند:

الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.

پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب بدهد.

ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

لذا با توجه به شرایط مذکور چنانچه مجرم سیاسی برای بار اول جرمی مرتکب شده که اتفاقاً این جرم، سیاسی است. در صورت گذراندن نصف دوران محکومیت خود و اثبات شرایط مقرر در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی که ما در اینجا از آن به عنوان نمایش حسن نیت نام می‌بریم، می‌تواند از امتیازات آزادی مشروط که همانا آزادی او زندان به مدت حداکثر ۵ سال خواهد بود استفاده نماید. البته کمی بعید به نظر می‌رسد که جرم سیاسی از شرط بند ب ماده ۵۸ قبول شود چرا که طبق این بند باید دادگاه احراز نماید که مجرم سیاسی از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد. زیرا چنانچه قبلاً نیز عنوان شد مجرم سیاسی معمولاً با انگیزه اصلاح طلبانه (ولو به نظر شخصی خود) دچار ارتکاب جرم می‌شود و امکان دارد، همین انگیزه در طول دوران محکومیت از او زایل نشده و دوباره مرتکب جرم شود.

بند چهارم: عفو مجرمین سیاسی

مجرم سیاسی نیز مانند سایر مجرمین دیگر می‌تواند از امتیازات عفو مجرمین استفاده می‌نماید. البته شاید این بحث می‌بایستی در مبحث حقوق مجرمین سیاسی باز می‌شد ولی به هر حال مجرم سیاسی نیز می‌تواند تحت شرایطی از آن استفاده نمایند، لذا در این مجال آورده شده است و آن این است که با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه، مقام رهبری به موجب بند ۱۱ اصل ۱۰ قانون اساسی، می‌تواند مجرمین را عفو کند. حال آنچه منظور نظر ماست این است که آیا مجرم سیاسی نیز می‌تواند جزو این عفو شدگان قرار بگیرد یا نه؟ مسلماً با توجه به امتیازاتی که قانون برای مجرم سیاسی



قائل است این حق مجرم سیاسی است که از امتیاز عفو (خصوصی) برخوردار باشد. دلیل دیگر ادعای ما این خواهد بود که حتی اگر امتیازات مقرر برای جرم سیاسی را نیز در نظر نگیریم، حداقل این است که جرم سیاسی مانند سایر جرایم، خلاف قانون است و برای هر جرمی، هر چند سیاسی باشد، سیستم عفو پیش‌بینی شده است.

نتیجه‌گیری

پس از تصویب آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز متأسفانه همچنان جرم سیاسی به دلیل نگاه‌های امنیتی و حوادث گاه و بیگاهی که در سپهر سیاسی کشور روی می‌داد به فرجام نرسید تا نهایتاً در سال ۱۳۹۵ قانون جرم سیاسی تدوین و تصویب گردید. با وضع این قانون تمام فرایندهای شکلی که پیش از این در قوانین وجود داشت، عرصه‌ای برای اجرا و ظهور و بروز پیدا کرد و حضور دادگاه کیفری یک با ۳ قاضی که مقامات و دادگاه صالح برای رسیدگی به این جرم شناخته شدند تا حدودی ورود دادگاه انقلاب به این امر را محدود کرد، همچنین تکلیف مواردی که جرم سیاسی تلقی می‌شود مشخص شده و مجازات‌های متناسب آن نیز وضع گردید تا متهمین به واسطه جرم سیاسی با مجازات‌های سنگین و یا حدی روبرو نشوند. رعایت حقوق متهمین، تفهیم اتهام، رفتار ضابطین، نگهداری در زندان و دسترسی به وکیل و ... نیز از مواردی بود که در قوانین آیین دادرسی کیفری جدید و قانون جرم سیاسی برای این دست از متهمین پیش‌بینی و اجرایی گردید. تصویب این قانون به توجه و تمرکز بر روی زندانیان سیاسی و وضعیت آنها و رعایت حقوق حقه آنها کمک شایانی نمود و باعث شد رسانه‌ها امور رسیدگی به این جرایم را که علنی و با حضور هیات منصفه هستند رصد کنند. هرچند در وضع و تدوین این قانون ایراداتی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره شد، اما همین که مقنن گام اول را در تصویب این قانون (هرچند دیر هنگام و پس از حدود چهار دهه از تصویب قانون اساسی) برداشت جای امیدواری دارد که در سال‌های آتی و روشن شدن نواقص آن در مرحله اجرا، اقداماتی جهت اصلاح این قانون صورت گیرد تا روند تکامل آن طی شود.



منابع و مآخذ

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۰) حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
۲. بشیریه، حسین، (۱۳۸۲) آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی)، تهران، نشر نگاه معاصر.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
۴. حسینی، سید محمد (۱۳۸۳) سیاست جنایی (در اسلام جمهوری اسلامی ایران)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. رفسنجانی مقدم، حسین و حسن پور، معصومه (۱۳۹۵) ترمینولوژی تنقیح قوانین، تهران، موسسه فرهنگی بهینه.
۶. راوندی، مرتضی (۱۳۶۸) سیر قانون و دادگستری در ایران، بابل، نشر چشمه.
۷. زراعت، عباس، (۱۳۷۷) جرم سیاسی، تهران، انتشارات ققنوس.
۸. شکری، رضا و سیروس، قادر (۱۳۸۶) قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ ششم، تهران، انتشارات مهاجر.
۹. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۸) حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ نهم، تهران
۱۰. صانعی، پرویز (۱۳۸۲) حقوق جزای عمومی، انتشارات طرح نو.
۱۱. علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۶۷) حقوق جنایی، جلد ۳، تهران، انتشارات فردوسی.
۱۲. منتسکیو (۱۳۶۲) روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتری، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۳. نجفی توانا، علی (۱۳۸۱) جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات خط سوم.



۱۴. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۹) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، جلد دوم، چاپ بیست و دوم، تهران، انتشارات میزان.

ب: مقالات

۱۵. آصفی، حمد الله، (۱۳۷۸) نگرشی بر جرم سیاسی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۳ و ۱۴۴.

۱۶. بوستانی، مهرزاد (۱۳۹۴) نقد و بررسی ماده ۷۸۲ قانون جدید مجازات اسلامی، مقاله مندرج در مجله منشور کانون وکلای دادگستری فارس.

۱۷. جرم سیاسی، از آغاز تا امروز، گزارش، وکالت، شماره ۴، آذر ۱۳۷۹.

۱۸. قهرمانی، نصرالله (۱۳۵۷) جرم سیاسی، کانون وکلاء، شماره ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵.

۱۹. لواسور، ژرژ (۱۳۶۹) مسأله جرم سیاسی در حقوق استرداد مجرمان، مترجم رحیمی، مصطفی، کانون وکلاء، شماره ۱۵۲ و ۱۵۳.

۲۰. مدنی، جلال الدین (۱۳۸۴) هیأت منصفه مطبوعات در تاریخ معاصر، مدنی، سیدجلال الدین، زمانه، شماره ۳۷.

